

شاخص‌ها و آموزه‌های دین در

کلام آیه‌الله منتظری

محمد صالحی

مقدمه

مهمترین ویژگی نسل امروز ، **اندیشه ورزی نقادی** بوده بگونه ایکه هیچ متن و یا هیچ شخصیتی را به صرف جایگاه آن ، مقدس و غیر قابل نقد و حتی رد نمی داند .

و البته این از امتیازات اوست که خداوند بر آن در صدها آیه با عبارات (افلاتتعقلون و لعلکم تعقلون و ...) تاکید ورزیده و چنین انسانهایی را با نام **عباد خود و هدایت یافتگان صاحب خرد** معرفی کرده است . (فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ، اولئک الذین هدئهم الله و اولئک هم اولوا الالباب - سوره زمر ، آیه ۱۷ و ۱۸)

در این راستا ، **دین و آموزه های دینی** بشدت مورد توجه و زیر تیغ بررسی و نقد قرار گرفته که اگر درست تبیین نشده و یا مفاهیم دینی به درستی بیان نشده و زوائدی که میراث تاریخی دین است از آن پیراسته نشود ، بقول مرحوم استاد منتظری ، به **دین گریزی** و نهایتا **دین ستیزی** نسل جوان منجر خواهد شد .

به همین دلیل در این مجال اندک ، سعی شده است در **اولین قدم** ، **تاریخچه و انواع دین** - **حقانیت آنها** - **قلمرو تعالیم دین و مسائل فهم آن** - **هدف از احکام و حدود** - **ارتداد** - **حجاب** - **کرامت ذاتی انسان ها** - **حقوق بشر و دخالت دولت در اجرا و اقامه آنها** ، **جایگاه پیامبران در اقامه عدالت** ، **رجحان عقل بر شرع در مسائل روز خواندن زنان و شرایط قرض و وام بانکی**، **از زبان مرحوم استاد آیه الله منتظری** ، در **۲۵ بند** ، به اختصار بیان می شود .

هر چند ، موضوعات بسیار مهم و زیادی هست که امید است در مباحث دیگر پیگیری گردد .

۱- سابقه تاریخی دین تا کجاست ؟ ۱

تاریخ انسانها نشان می‌دهد که رفتار آنان آکنده از تمایل به دین است . به تعبیری تاریخ انسان با تاریخ دین یکی است . این واقعیت در منابع اسلامی هم منعکس شده است . اولین انسان - طبق آنچه در قرآن کریم آمده - آدم (ع) بوده که سخن از امر و نهی خدا به او و نبوت اوست .^(۱) انسانها بنا به خواسته درونی شان ، یا خود دین هایی ساخته اند و یا انبیای الهی از جانب خداوند برای آنان دین حقی را آورده اند ، مانند دین های ابلاغ شده توسط حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص).

۲- انواع دین کدامست ؟ ۲

ادیان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :

ادیانی که بدون بعثت پیامبری از جانب خداوند به وجود آورده شده اند ،
و ادیانی که پیامبران از جانب خداوند آورده و به مردم ابلاغ کرده اند .

ادیان غیر آسمانی به دلیل این که خدا و پیامبران منشاء آن نبوده اند ، مثل همه ساخته های

بشری ارزش دینی ندارند ؛ هر چند نام دین بر آنها اطلاق شود .

آنچه را که اکنون به عنوان ادیان الهی مطرح است ، سه دین یهودیت ، مسیحیت و اسلام است .

بنابر نظری - همان گونه که در قرآن کریم آمده است - مجوسیت (دین زرتشتیان) و دین صابئان

نیز از ادیان آسمانی اند :^(۲)

ولی از این آیه ها آسمانی بودن دین آنان استفاده نمی شود ، هر چند از اخبار وارده به دست می آید

که " مجوس " اهل کتاب آسمانی می باشند .

مجوسیان معتقد به کتاب آسمانی و پیامبری زرتشت هستند ، و صابئان مدعی اند که کتابی آسمانی

دارند و معتقد به خدا ، ملائکه ، بهشت ، جهنم و برخی از انبیایند .

۳ - دین یا شریعت ، تفاوت در چیست ؟ ۳

دین در اصطلاح ، به برخی امور مقدس گفته می شود که ارتباط تنگاتنگی با ذات انسان دارد ، و

خواست معنوی انسان را پاسخ می دهد و او را سیراب می کند . به نظر ما ، چنین چیزی در صورتی

حق است که از جانب خداوند نازل شده باشد ؛ تنها در این صورت است که حقیقتاً می‌توان نام دین بر آن گذاشت . در قرآن کریم به صراحت آمده است :

" و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه " (۳)

" و هر کس غیر از اسلام دینی جوید از او پذیرفته نشود . " (۴)

کلمه دین گاهی در برابر **شریعت** استعمال می‌شود و مراد اصول دین است ؛ و شریعت بخش های اخلاقی و فقهی را در بر می‌گیرد .

۴- پذیرش ادیان مختلف چگونه است ؟ ۴

نفس قبول یک دین ، پاسخ به خواست فطری و احساس انجام تکلیف است . در صورتی که شخصی به دینی ایمان آورده و به آن قانع و راضی شود ، دل در گرو آن دارد و خود را به آن قانع می‌داند و برای او پذیرفتن دین دیگر مشکل است . این شخص را نمی‌توان مصداق دین گریز دانست ، اگر چه ممکن است دین حق را نپذیرفته باشد .

در واقع با پذیرفتن دینی ، او خواست قلبی و تکلیف خود را انجام یافته تلقی می‌کند و **ندای**

فطرتش را پاسخ داده است .

بسیار کسان در دنیای دینداری و عقیده از این قبیل اند . اکثریت جمعیت دنیا نوعی دین را برای خود انتخاب کرده اند و دل به آن بسته اند و با همان زندگی می کنند .

۵- حقانیت ادیان به چیست ؟ ۵

آنچه در اینجا درصدد بیان آن هستیم توجه به جنبه های تاریخی دین نیست ، بلکه پرداختن به این نکته است که آیا هر یک از ادیان سهمی از حقانیت دارند یا خیر ؛ و کسانی که دینی را طبق مقتضای محیطی و تربیتی می پذیرند آیا همان دین از ایشان پذیرفته است و یا خیر .

در صورتی که پیروان ادیان سابق به رغم آمدن دین جدید همچنان بر عقیده خود اصرار بورزند و پایبندی خود را بر آن اعلام کنند ، دو صورت برای آن قابل تصور است :

یکی این که واقعا به آن اعتقاد دارند و آن را از جانب خداوند می دانند و حقانیت دین جدید برای آنان ثابت نشده است ؛

و دیگر این که از سر لجاجت و عناد و با علم به حقانیت دین جدید آن را نمی پذیرند .

در صورت **اول** ایمان آنان پذیرفته است و اسلام هم آنان را به رسمیت می شناسد .^(۵)

گروه دوم که در برابر دین حق سرسختی نشان می‌دهند و آن را نمی‌پذیرند و حاضر نیستند

تعصب و سرسختی بی دلیل خود را کنار گذاشته و دین حق را بپذیرند ، همانند کافرانی اند که حاضر

نمی‌شدند در برابر پیامبران الهی تسلیم شوند^(۶)

۶- پلورالیسم دینی ۶

آنچه از آیه ۶۲ سوره بقره فهمیده می‌شود این است که اگر کسی پس از تحقیق و تفحص به یکی

از ادیان الهی اعتقاد داشته باشد و آن را حق بداند و با عمل صالح همراه باشد، در آخرت معذور و

مأجور است ؛ ولی این معنا دلیل بر حقانیت واقعی ادیان در همه زمانها نیست.

در هر زمان و هر مکان واجب است افراد نسبت به تشخیص دین حق تفحص و تحقیق نمایند؛ و اگر

کسی به حقانیت اسلام در این زمان پی برده باشد و با این حال از روی عناد و تعصب یا سایر انگیزه

ها زیر بار حق نرود، اهل نجات نمی‌باشد.

با قطع نظر از آیه ۶۲ سوره بقره ، اگر کسی پس از تحقیق و تفحص و بدون تعصب به دینی معتقد

شد و بر طبق موازین آن عمل نمود، بر خداوند قبیح است که او را عذاب نماید، زیرا از مصادیق ظلم

محسوب است ؛

و به اصطلاح اگر کسی از روی جهل و اشتباه راه خلافی را طی نمود ولی جاهل قاصر بود نه مقصر، مشمول مجازات الهی نخواهد بود؛ هرچند در اثر اشتباه مسیر، کمالات و مقامهایی را که ممکن بود از مسیر حق به دست آورد طبعا از آنها محروم خواهد بود .

۷- دین چه می آموزد ؟ ۷

- دین به انسانها می آموزد تا خود را با عالمی که در آن زندگی می کنند هماهنگ سازند . چرا که بدون چنین هماهنگی میان انسان و جهان پیرامونش ، تداوم زندگی برایش دشوار می شود و احساس پوچی و بیگانگی به او دست می دهد .

- آنچه دین به انسانها می آموزد ، چه در بخش اعتقادات و چه در بخش احکام ، به منظور **رساندن آنان به کمال** و سعادت است . دو چیزی که جزء خواسته های ذاتی انسانها است و چنین سعادت و کمالی منحصر در رشد مادی و دستاوردهای رفاهی نیست .

- دین ، حرفه ای نیست که با آموختن آن بتوان رنج ها را کاهش داد و نابسامانی ها را از بین برد . **دین احساسی قلبی** است که وجودش آثار و ثمرات پیش گفته را دارد .

۸- جامعیت دین به چه معناست ؟ ۸

جامعیت و کمال دین ، به داشتن رهنمودهایی در راستای راهنمایی انسان به مقصد تعیین شده است ، که از آنها به **هدایت** تعبیر می شود.

راز و رمز اصلی این رهنمودها ، ایجاد رابطه زیستی متناسب میان انسان و عالم هستی است

همین است که دین در راستای دعوت مردم به خداوند و تبیین ارزشهای معنوی ، آنچه را که انسانها بدون دین نمی توانستند به دست آورند ، در بر دارد و از این جهت هیچ کاستی ندارد .

بر این اساس **توقع از دین برای برآوردن نیازهایی که با عقل و خرد جمعی قابل تحصیل می باشد ، توقعی بی جا است .**

۹- قلمرو تعالیم دین کجاست ؟ ۹

جهت گیری اصلی دین ، دعوت مشفقانه مردم به خدا و اصلاح امور آنان به دست خودشان است

دین هیچ گاه در صدد ارائه شکل خاصی برای زندگی نیست . زندگی شهری یا روستایی ،

صحرانشینی و امثال اینها ، توصیه دین نیستند .

دین به انسانها ، در هر کجا که هستند ، سفارش می کند تا اموری را رعایت کنند....

چه این که دخالت در چنین اموری دین را با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد ساخت و پیشرفت ها

و تحولات ، دین را به تدریج از زندگی مردم خارج می کند .

۱۰- فهم دین در اختیار کیست ؟ ۱۰

منابع دینی - کتاب و سنت - بنا بر آنچه در خود آنها آمده ، برای همگان قابل فهم است و در

انحصار طبقه و قشر خاصی نیست ؛ هر کسی می تواند از این منابع استفاده کند

اما فهم دین به رغم همگانی بودن و منحصر در گروه خاصی نبودن ، بی قاعده و بی ضابطه هم نیست

...

طول زمان برای نسل های بعدی و آمیختگی ذهن های مردم هر منطقه ای با آداب و فرهنگ خود ،

چه بسا تأثیر خود را در فهم متفاوت از دین بر جا بگذارد .

در طی زمان ممکن است تحریف ها و جعلیاتی نیز رخ داده باشد

از این رو لازم است کسانی که در زمینه دین به تحقیق می‌پردازند، شرایط لازم را به دست آورند و آنگاه در دین اجتهاد کنند و نظر بدهند؛ همان گونه که در سایر علوم نیز چنین است.

۱۱- دستورات دین آسان یا سخت؟ ۱۱

دین را خداوند حکیم تشریح کرده است. نوع مردم مخاطب آن هستند و مردم دارای استعدادهای متفاوتی اند. برخی ضعیف و برخی دیگر استعدادی قوی دارند.

دین با رعایت حال نوع مردم تشریح شده است. دین با فطرت انسانها هماهنگ است و بنابراین نمی‌تواند سخت و پیچیده و فرسوده کننده و رنج آور باشد.

اگر دین **تکالیف سختی** را برای مکلفان تحمیل کند، موجب **فرار مردم از معنویت** و در نتیجه نقض غرض می‌شود و نمی‌تواند به اهداف خود برسد.

فلسفه هماهنگی دین با طبیعت و فطرت انسانها، **تربیت** آنهاست. سختی و فشار و جبر و اکراه، به

دلیل ناسازگار بودن با طبع اولی انسان نتیجه مطلوبی ندارد. خداوند فرموده است:

" ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم ..."^(۷)

" خداوند نخواسته است که بر شما دشواری قرار دهد ، بلکه خواسته است تا شما را پاک و طاهر
 بدارد... "

۱۲- تکالیف دینی ، اجبار یا اختیار ؟ ۱۲

تکالیف دینی مانند اعتقادات اجبارناپذیر است . یعنی همان طور که اجبار در عقیده و استفاده از زور برای پذیرش عقیده ممکن و جایز نیست ، اگر کسی بخواهد جامعه ای را متدین و مقید به تکالیف دینی کند نمی تواند مردم را به زور و اجبار متدین کند و ارزشی ندارد.

حکومت دینی می تواند برنامه ریزی کند تا مردم با اشتیاق به عبادت و دعا بپردازند ، نماز بخوانند و روزه بگیرند ، اما حق اجبار و اکراه آنان را ندارد .

البته اگر کسی بخواهد حرمت شریعت را بشکند مثل اینکه بدون عذر و از روی علم و عمد در اماکن عمومی در ماه رمضان روزه خواری کند حاکم شرع می تواند وی را به خاطر آن تعزیر کند ولی همان طور که قبلا اشاره شد این به معنای اجبار بر انجام تکالیف شرعی نیست .

خلاصه فرق است میان اجرای شریعت از طریق اجبار ، و تشویق حکومت به رغبت به شریعت .

تصدی گری حکومت در امر اجرای شریعت نه تنها مشکل پایبندی مردم را به این دستورات حل نمی کند، که چه بسا موجب گریز و ستیز با دین هم می گردد .

۱۳- حجاب ، تکلیف فردی یا الزام ؟ ۱۳

اگر حجاب در حد کیفیت لباس و پوشش مو و امثال آنها باشد که هر چند از نظر شرعی ، هر زن مسلمان لازم است رعایت کند و مؤمنین در خانواده ها باید فرزندان خود را به گونه ای تربیت کنند که این مسأله را از تکالیف شرعی بشمارند و به آن پایبند باشند ، اما **جواز الزام و اجبار مردم بر آن** - در صورتی که رعایت نکردن حجاب تزییع حقوق اکثریت و یا زمینه ساز فساد و اشاعه فحشا نباشد - **دلیل شرعی ندارد** و در این زمینه بهترین راه کار فرهنگی و آموزشی و استفاده از روش های غیر مستقیم برای تشویق و ترغیب است

۱۴- اقامه عدالت ، وظیفه پیامبران یا مردم ۱۴

خداوند در رابطه با هدف از ارسال رسل و انزال کتب می فرماید :

" ليقوم الناس بالقسط " (۸)

" تا خود مردم در اثر هدایت انبیا و کار فرهنگی و فکری آنان ، عدالت را به پا دارند .

قرآن نفرموده است : تا پیامبران عدالت را به پا دارند ، تا شائبه اجرای شریعت و عدالت با اجبار و زور در بین نباشد .

۱۵- هدف مجازات های اسلامی چیست ؟ ۱۵

اصولا هدف از مجازات های اسلامی و حدود الهی ، اصلاح جامعه و بازداشتن مجرمین از تکرار جرم و تنبیه آنان می باشد .

در آیه شریفه :

" و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون ^(۹)

اشاره به این جهت شده و قصاص را موجب حیات افراد دانسته است .

۱۶- تاثیر تحولات اجتماعی در تغییر مجازات ها چگونه است ؟ ۱۶

تعزیرات و حدود ، دارای مصالح غیبی و غیرقابل فهم برای بشر نمی باشد . و این

معنا از قرائن و تعبیرات زیادی که در روایات مربوط به حدود و تعزیرات وارد شده است استفاده

می شود .

از این رو قبلاً یادآوری شد که هدف اصلی از آنها همان تنبیه مجرمین و اصلاح آنها می‌باشد و بعید است که مصالح غیبی غیرقابل فهم دیگری در آنها باشد .

و از طرفی **تحولات اجتماعی** در علوم مربوط به جرم‌شناسی و نحوه پیش‌گیری از آنها و روان

شناسی مجرمین و نحوه اصلاح و تربیت آنان پدید آمده است ، به نحوی که دیگر شیوه‌های

گذشته در جوامع کنونی آثار مورد نظر شارع را نخواهد داشت و چه بسا ممکن است

گفته شود :

با شیوه‌های جدید زودتر و بهتر هدف اصلی شارع از تشریح بعضی مجازات‌های رایج ، محقق

می‌شود .

با توجه به جهات مذکور اگر فقیه توانست از ادله مربوطه چنین استنباطی بنماید ، یعنی از آن جهت

که مصالح و مفاسد بعضی احکام مذکور ، که به منزله موضوع آنها می‌باشند ، تغییر یافته و درحقیقت

موضوع حکم تغییر یافته است ، می‌تواند طبق تغییر مصالح و مفاسد و موضوع بعضی احکام ذکر شده

به تغییر حکم نظر دهد .

ولی باید کاملاً مستند به آیات و روایات و ضوابط اجتهاد باشد ، نه براساس تأثیر از جو و شرایط

موجود .

۱۷- ضرورت پیروی از معقولترین روشها در هر عصر ۱۷

خداوند در قرآن می‌فرماید: " قل فأتوا بكتاب من عند الله هو أهدى منهما أتبعه ان كنتم صادقين)

(۱۰)

"بگو: کتاب و شریعتی برتر و هدایتگرتر از آن دو [قرآن و تورات] بیاورید تا از آن پیروی کنم اگر راستگو هستید."

آیه فوق ظاهراً ضرورت پیروی از معقولترین و بهترین روشها را برای رسیدن به اهداف دین بیان می‌کند .

۱۸- رجحان عقل بر شرع ۱۸

ما عقل را ام الحجج یعنی اساس حجت ها و براهین می‌دانیم و احکام و قوانینی را که مخالف عقل باشد قبول نداریم .

هیچ گاه احکام شرعی مخالف عقل نیست ، و خود شرع و قرآن، ما را به عقل ارجاع می‌دهند. در موارد زیادی قرآن بحث تعقل و تفکر و اندیشه را مطرح کرده است و مردم را به اندیشه کردن در امور تکوینی و غیرتکوینی سفارش نموده است.

ما در اسلام (لاکراه فی الدین) را داریم که معنی اش این است دین زوری قابل قبول نیست .

ما می‌گوییم : " کما حکم به الشرع حکم به العقل و کما حکم به العقل حکم به الشرع".

حکم عقل و شرع با هم تلازم دارند و تضاد در آنها نیست، و اگر تضادی در جایی مشاهده شد در اینجا آنچه عقل می‌گوید مقدم است، چون ام الحجج است»

۱۹- ارتداد یا تغییر عقیده ، معنا چیست ؟ ۱۹

در حقیقت تعبیر به آزادی اندیشه یا تغییر آن نوعی مسامحه در تعبیر است ؛ زیرا پیدایش هر عقیده و استمرار آن معلول شرایط خاص ذهنی است که از اختیار انسان خارج می‌باشد . آنچه اختیاری انسان است - و انسان نسبت به آن آزاد است - مقدمات آن می‌باشد ؛ نظیر تحقیق ، مطالعه و تلاش فکری در راه رسیدن به آنچه حق است .

از این رو **تحمیل هر عقیده ای به دیگری ، نه امکان دارد و نه صحیح خواهد بود ؛ و** هر انسانی بالفطره در پیدانمودن هر اندیشه و استمرار آن قابل تحمیل و اکراه نخواهد بود .

آیه شریفه :

" لا اکراه فی الدین ... " - (۱۱)

چه در مقام خبر از واقع خارجی باشد ، یا انشاء نهی از اکراه - با توجه به شأن نزول آن - قطعا شامل امور اعتقادی دین نیز می‌باشد .

بنابراین مجرد اندیشه و اعتقاد ، یا تغییر آن ، و یا ابراز آن ، و یا اطلاع از اندیشه و تفکری

دیگر ، حق هر انسانی است ؛ و با هیچ یک از عناوین کیفی نظیر : ارتداد ، افساد ، توهین ، افترا

و مانند آن مربوط نیست .

۲۰- کرامت انسانها به چیست ؟ ۲۰

باید دانست انسان که یک موجود متعلق به ناسوت است و در قوس نزول در عالم ناسوت که نازلترین

عوالم هستی است قرار گرفته است ، خداوند چنان لیاقت و استعدادی به او عطا نموده که در اثر

حرکت جوهری پس از طی مراحل نباتی و حیوانی و نیل به مرحله انسانیت می تواند با قدرت علم و

عمل در قوس صعود به مرحله کون جامع و بالاترین و شریف ترین عوالم هستی یعنی عالم عقول

مجرده برسد ؛ که نمونه بارز آن انسانهای کامل همچون : پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

می باشند . جایی که - بنا بر آموزه های دینی - هیچ فرشته و ملک مقربی به آن نمی رسد . و چنین

موجودی با چنین لیاقت و استعدادی قهرا دارای کرامت ذاتی و شرافت خواهد بود .

بنابراین همه انسانها صرف نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار،

دارای کرامت ذاتی هستند ؛

هرچند انسان باتقوا در نزد خداوند دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است . و در حقیقت هرانسانی

دارای کرامت ذاتی است ؛ اما انسان باتقوا علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی که با

اكتساب به دست می‌آید نیز می‌باشد :

" ان اکرمکم عندالله اتقیکم " (۱۲)

" بالارزترین شما نزد خداوند باتقواترین شما هستند."

ولی این کرامت ارزشی هیچ تأثیری در حقوق اجتماعی ندارد ، و در حقوق اجتماعی ،

همه انسانها - صرف نظر از درجه ایمان و تقوای آنها - از این گونه حقوق بهره مند هستند .

۲۱- حقوق بشر کدام است ؟ ۲۱

کرامت ذاتی انسان که از قرآن و روایات استفاده می‌شود ، نمی‌تواند بدون حقوق

ذاتی برای حقیقت انسان - بدون ملاحظه عقیده او - تصور شود .

زیرا کرامت نوعی ارزش دادن و ترجیح انسان از جهت انسانیت است و این معنا مستلزم آن است که

انسان دارای حقوق فطری ، طبیعی و اجتماعی از قبیل : حق حیات ، حق آزادی اندیشه و بیان و

نظایر آن باشد .

بر همین اساس نمی توان صرف داشتن عقیده خاص را - گرچه حق باشد - دلیل بر امتیازدهی در اعطای حقوق اجتماعی و شهروندی دانست .

همچنین در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (ع) می خوانیم که آن حضرت به خدای متعال عرض کرد :

" رب اجعل هذا بلدا آمنا و ارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله و الیوم الاخر) ^(۱۳)

" پروردگار من ! این سرزمین (مکه) را سرزمین امنی قرار ده ، و مردم آن را - آنان که به خدا و روز

قیامت ایمان آورده اند - از ثمرات آن بهره مند فرما ."

اما خدای متعال در پاسخ تقاضای ابراهیم (ع) فرمود:

(و من كفر فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب النار و بس المصير) ^(۱۴)

" هر آن کس را که کافر شود (در این دنیای فانی و زودگذر از نعمت های خود) در زمان کوتاهی

بهره مند سازم و سپس (در روز جزا) به عذاب آتش می کشانم ، و چه بد سرانجامی است ."

قید (قلیلا) در آیه شریفه یا به معنای زمان کوتاه است یعنی دنیا در برابر آخرت ، و یا به معنای

نعمت های کم می باشد یعنی نعمت های دنیوی در برابر نعمت های اخروی ؛ و در هر دو حالت اشاره

به دنیای فانی و زودگذر است .

در حقیقت ابراهیم (ع) از خدای متعال خواسته بود که فقط مؤمنان را از حقوق طبیعی بهره مند سازد ، اما خداوند بهره مندی از مواهب طبیعی در این دنیا را بر همه انسانها - صرف نظر از ایمان و اعتقاد آنان - مقرر می فرماید و اندیشه برتری مؤمنان در بهره گیری از حقوق طبیعی در این جهان را مردود می شمارد .

از طرفی اگر عقیده منشاء حقوق برای انسانها باشد ، باید برحسب شدت و ضعف عقاید حقه افراد ، حقوق آنان نیز کم و زیاد و ضعیف و قوی گردد ؛ در صورتی که به یقین چنین نیست و شدت و ضعف عقاید حقه انسانها تنها منشاء کرامت معنوی و ارزشمند بودن آنان نزد خداوند خواهد بود .

از طرف دیگر باید گفت : همین کرامت ذاتی انسان است که بنابر مکتب های مختلف حقوقی

- اعم از مکتب های الهی و غیرالهی - زمینه پیدایش حقوق گوناگون برای افراد انسانها

می شود . منتهی الامر هر مکتبی مطابق جهان بینی خاص خود به انسان می نگرد و او را مورد

تجزیه و تحلیل کامل یا ناقص قرار می دهد .

۲۲- آزادی اندیشه و بیان ، حق کیست ؟ ۲۲

از آنجا که عقل و تفکر جوهر اصلی انسان می‌باشد، آزادی اندیشه و بیان از حقوق مسلم

همه انسانهاست و همه حق دارند که در مسائل مختلف اعتقادی، سیاسی و اجتماعی آزادانه

بیندیشند و حاصل تفکر و اندیشه خود را بیان نمایند؛

و می‌توان گفت آزادی اندیشه و بیان از مهمترین حقوقی است که هر انسانی دارد، و تجاوز به این

حق و سلب آن ستمی بزرگ بر انسانها می‌باشد؛ آیه شریفه:

"خلق الانسان _ علمه البیان" - (۱۵)

"خداوند انسان را آفرید و بیان را به او آموخت."

۲۳ - مصافحه با زنان غیر محارم ۲۳

استفتای شرعی در مورد مصافحه با غیر محارم، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۱:

"اولاً: از بسیاری از روایات باب نظر استفاده می‌شود که حرمت آنها به جهت احترام شخص مورد نظر

است و لذا اگر او نظر را مخالف احترام خود نمی‌داند و خود را نمی‌پوشاند نظر طبعاً جایز است، مگر

اینکه موجب وقوع در حرام و فساد شود، و به خصوص زنان غیر مسلمان قائل به حرمت نظر نیستند

، بلکه ترک آن را موجب بی‌احترامی به خود می‌شمارند؛ و بعید نیست این ملاک در دست دادن نیز

وجود داشته باشد. و روایات مصافحه با اجنبیه منصرف است به زنان مسلمان. آری اگر نظر یا دست

دادن موجب فساد اخلاقی شود یا برای لذت باشد مطلقاً جایز نیست .

و ثانیاً: **اگر نظر یا مصافحه در محیط و شرائطی ضرورت عرفی داشته باشد و ترک**

آنها موجب وهن گردد، با وجود ضرورت این قبیل محرمات مقدماتی ، **به مقدار ضرور حلال**

می شود؛ مگر اینکه فساد اخلاقی را در پی داشته باشد یا برای التذاذ باشد. البته اگر از روی لباس یا

دستکش ممکن باشد احتیاط خوب است .

استفتای دوم : - که به استفتای اول ناظر است - : استفتای شرعی درباره **مصافحه با زنان**

مسلمان غیر محارم ، نهم آبان ۱۳۸۲:

"اولاً: عدم مس و عدم نظر به اجنبیه برای حرمت و احترام اوست . اگر او این حرمت را برای خویش

قائل نیست ، بلکه **عدم نظر و عدم مصافحه را بی احترامی به خود می داند، در این**

صورت با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن ، مصافحه مانعی ندارد.

ثانیاً: نظر و مصافحه (در مورد زنانی که به حجاب معتقد نیستند) با عدم التذاذ و عدم قصد آن مانعی

ندارد.

ثالثاً: (در تشخیص ضرورت عرفی در نظر یا مصافحه) عرف محل ، ملاک است ."

۲۴- خواندن زن ۲۴

سوال : حکم حضرتعالی در باب موسیقی پاپ و خواندن زن با این نوع موسیقی چیست ؟

جواب : موسیقی دارای انواع گوناگون است و بطور کلی همه آنها در روح و روان انسانها تاثیر عمیق دارد ، برخی از آنها حلال و برخی حرام است .

بطور اجمال ، آنچه که روح انسان را به دنایت و پستی و حقارت یا فحشا و شهوات تحریک میکند و طبعاً جامعه را جذب مظاهر فساد می نماید و یا همچون مواد سکرزا ، عقل و تمیز انسان را تحت الشعاع قرار می دهد حرام است .

و اگر - از باب فرض - در مورد خاصی مفسده انگیز بودن آن احراز نشود ، گوش دادن به آن مانعی ندارد .

خواندن زن اگر غنا و مهبج نباشد و مفسده ای بر آن مترتب نشود حرام نیست)

پاسخ به سوال ۴۰۹ استفتات)

۲۵- مسجد جمکران ۲۵

آیا مسجد جمکران و ساخته شدن آن به دستور حضرت مهدی (عج) صحیح است ؟

جواب : مرحوم حاجی نوری در کتاب " جنه الماوی " حکایت هشتم از حسن بن مثله جمکرانی داستان تشریف به حضور آن حضرت و امر به ساختن مسجد مزبور را نقل می کند . (جنه الماوی ، ضمن بحارالانوار ج ۵۳ ص ۲۳۰ ، حکایت هشتم)

و ماخذ این نقل ، کتاب " تاریخ قم " تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی است ، که او نیز از کتابی به نام " مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین " منسوب به شیخ صدوق نقل می کند . آنچه قابل توجه است این که در بین کتاب های صدوق چنین کتابی وجود ندارد .

بنابر این معلوم نیست نویسنده کتاب مذکور که منبع اصلی داستان است ، چه کسی بوده است .

نتیجه :

از مباحث فوق چنین برمی آید که ، باید بین **اصل دین** که مراد خداوند بوده و در تنها منبع مطمئن در دسترس ، یعنی قرآن ارائه شده است و **معرفت دینی** که برداشت ما از مراد خداوند است و در طول تاریخ دین به دلایل مختلف تغییر کرده است ، و چاره ای نیز از آن نمی باشد ، تفاوت قائل شد .

چرا که این تغییرات بگونه ایست که **گستره وسیعی از دین رحمانی تا دین خشونت و**

جمود را دربر گرفته ، و از جمله آنها ، پیش فرضها ، میزان تسلط و آگاهی ما به ادبیات و زبان عصر

نزول ، تغییرات و تطوراتی که در همان ادبیات ، تا این زمان در آن بوجود آمده ، شرایط زمان و زمینه نزول آیات ، قرائن مختلف معنوی و لفظی و یا سطح درک و بینش و فهم و پذیرش مخاطبین آن عصر ، سیر تحول تاریخی مفاهیم و مصادیق معنویت ، عقلانیت و اخلاق و ... ، می باشد .

و توجه به همین امر است که راه را برای فهم درست مراد خداوند بگونه ای که سازگار با عقلانیت عرفی هر عصر باشد و منتج به زیستی ایمانی اخلاقی گردد ، هموار می کند .

زیرنویسها :

- ۱- سوره بقره (۲)، آیه ۳۰ ; سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۳
- ۲- آیه : ان الذین آمنوا والذین هادوا و النصراری و الصابئین من آمن بالله والیوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم . - مؤمنان و یهود و مسیحیان و صابئان ، کسانی که به خدا و آخرت ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پس پاداششان در پیشگاه پروردگارشان است . - سوره بقره (۲)، آیه ۶۲ و آیه : ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصراری و المجوس و الذین أشركوا ان الله یفصل بینهم یوم القیامه - کسانی که مؤمن اند و یهود و صابئان و نصارا و مجوس و کسانی که مشرک هستند، همانا خداوند میان آنها در روز قیامت قضاوت خواهد نمود . - سوره حج (۲۲)، آیه ۱۷

۳- سوره آل عمران (۳)، آیه ۸۵

۴- یادآوری می‌شود این که چه دینی نزد خداوند پذیرفته است مقوله ای متفاوت از پاداش دادن

به عمل صالح است . همان گونه که در آیات دیگر قرآن ملاحظه می‌شود پیروان سایر ادیان

نیز اگر ایمان به خدا داشته و عمل صالح انجام دهند مأجور خواهند بود .

۵- لیسوا سواء من أهل الكتاب أمم قائمة يتلون آيات الله أناء الليل وهم يسجدون . - همه اهل

کتاب مساوی نیستند ؛ گروهی از آنان در دل شب ایستاده آیات خدا را تلاوت می‌کنند و

سجده می‌نمایند . سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۱۳.

۶- یا أهل الكتاب لم تكفرون بآيات الله و أنتم تشهدون . - ای اهل کتاب ! چرا به آیات خدا کافر

می‌شوید ، در حالی که خود شاهد آن هستید . سوره آل عمران (۳)، آیه ۷۰ .

۷- سوره مائده (۵)، آیه ۶

۸- سوره حدید ، آیه ۲۵

۹- سوره بقره (۲)، آیه ۱۷۹

۱۰- سوره قصص آیه ۴۹

۱۱- سوره بقره ، آیه ۲۵۶

۱۲- سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

۱۳- سوره بقره (۲) ، آیه ۱۲۶.

۱۴- همان

۱۵- سوره الرحمن (۵۵) ، آیه ۳ و ۴

منابع :

۱- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۶۴

۲- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۶۴ تا ۶۵

۳- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۳۳

۴- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۴۴

۵- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۶۴ تا ۶۷

۶- کتاب دیدگاهها - ج ۱ - ص ۶۱۸

۷- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۳۹ تا ۴۳

۸- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۴۷ تا ۴۹

۹- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۴۹ تا ۵۱

۱۰- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۵۴ تا ۵۵

۱۱- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۶۰ تا ۶۲

- ۱۲- کتاب حکومت دینی و حقوق انسان - ص ۱۴۲ تا ۱۴۳
- ۱۳- کتاب حکومت دینی و حقوق انسان - ص ۱۴۴
- ۱۴- کتاب حکومت دینی و حقوق انسان - ص ۱۴۴
- ۱۵- پاسخ به پرسش هایی پیرامون مجازات های اسلامی و حقوق بشر - ص ۸۶ و ۸۷
- ۱۶- پاسخ به پرسش هایی پیرامون مجازات های اسلامی و حقوق بشر - ص ۸۶ و ۸۷
- ۱۷- کتاب اسلام دین فطرت - ص ۷۰۲ تا ۷۰۵
- ۱۸- کتاب : دیدگاه ها ص ۳۵۲ و ۳۵۳
- ۱۹- کتاب رساله حقوق - ص ۵۱
- ۲۰- کتاب رساله حقوق - ص ۳۲
- ۲۱- کتاب رساله حقوق - ص ۳۲ تا ۴۱
- ۲۲- کتاب رساله حقوق - ص ۵۰
- ۲۳- کتاب دیدگاهها، ص ۵۷۲
- ۲۴- پاسخ به سوالات اهل هنر -تاریخ ۷۹ / ۷ / ۲
- ۲۵- پاسخ به سوالات ۱۷۲ ص ۲۳۲

محمد صالحی - ۳۱ / ۶ / ۸۹

<https://telegram.me/beshnofekrkon>
<http://mahsan.rasekhoonblog.com>